

## بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی باستان‌شناسی در کشورهای آسیای مرکزی<sup>1</sup>

رحیم ولایتی\*

(تاریخ دریافت: 93/4/9، تاریخ پذیرش: 93/8/7)

### چکیده

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه هنر بودایی در آسیای مرکزی، به‌ویژه در کشورهای آسیای میانه، گسترش پیدا کرده است. امپراتوری موری (321 تا 185 ق.م.)، در زمان حاکمیت دولت یونانی باختری در اواسط قرن سوم ق.م سعی کرد دین بودایی را در باختر گسترش دهد. کوشانی‌ها با تشکیل دولتی مستقل (حدود 100 ق.م.)، تمدن جدیدی را در تاریخ باختر رقم زدند. بعدها امپراتوری کوشانی همسایه‌ی شرقی دولت اشکانی شد، تا اینکه در سده‌ی سوم میلادی قلمرو کوشانیان به‌دست ساسانیان فتح شد. از دوره‌ی استقرار و حکومت کوشانیان بودایی در آسیای میانه، حداقل چهار نوع اثر هنری کشف و معرفی شده است. این مقاله سعی دارد تا نقش این چهار اثر را که عبارت‌اند از: 1. نقاشیهای دیواری، 2. آثار معماری معابد بودایی، 3. هنر پیکرسازی بودایی، 4. هنر جواهرسازی کوشانی‌ها؛ در رابطه با هنر بودایی توجیه کند. در این میان، شهر ترمذ کهن در جنوب ازبکستان به منزله‌ی مرکز اصلی استقرار بودیسم نقشی مهمی در ترویج این آیین در منطقه داشته است. در شمال‌غرب ترمذ در محلی به نام قره‌تپه بقایای یک دیر بودایی کشف شده و نقاشی‌های دیواری کاخ خالچیان نمونه‌ای از هنر این دوره است. افراسیاب سمرقند مهم‌ترین محوطه‌ی باستانی کوشانیان در ازبکستان است

1. این پژوهش با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه تهران (به شماره‌ی طرح: 1945230/1/03) انجام شده است.

\*velayatii@yahoo.com

2. استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

که آثار فراوان این دوره از آن به‌دست آمده است. آنچه رابطه‌ی مرو زمان ساسانیان در ترکمنستان را با دنیای شرق مرتبط می‌سازد، پیدا شدن بنای معبدی بودایی و یک استوپا در خارج از دیوار این شهر است.

**واژه‌های کلیدی:** آسیای مرکزی، باستان‌شناسی، کوشانیان، معابد بودایی، هنر تندیس‌گری، هنرنقاشی.

## 1. مقدمه

آسیای میانه سرزمینی پهناور در قاره‌ی آسیاست. در پاره‌ای منابع جغرافیایی و تاریخی دو اصطلاح آسیای مرکزی و آسیای میانه به صورت مترادف بکار رفته‌اند، در حالی‌که و ازه‌ی آسیای مرکزی مفهومی جغرافیایی و آسیای میانه مفهومی دیدگاهی و سیاسی را در اذهان تداعی می‌کند. بعضی از کشورهای منطقه آسیای میانه با کشورما ایران دارای هویت مشترک تاریخی و فرهنگی و حتی زبانی دارند. ارتباط تاریخی‌ای که بین ایران و سرزمین‌های وسیع خراسان بزرگ در آسیای میانه از کهن‌ترین دوران‌ها برقرار بوده، چنانچه کشفیات باستان‌شناسی و پژوهش‌های تاریخی علاوه بر اثبات هویت تاریخی و فرهنگی آسیای میانه، نمادهای مشترک تاریخی و فرهنگی و هنری این سرزمین با ایران را نیز معرفی می‌کند. در دوره پیش از تاریخ سفال‌های مرحله‌ی آغازین جیتون با گلی مخلوط با بقایای گیاهی ساخته شده و آن سفال‌ها در سه محوطه‌ی باستانی ایران نیز مانند تپه‌سنگ چخماق شاهرود، تورنگ‌تپه‌گرگان و یارم‌تپه گنبدکاووس به‌دست آمده است. در دوره‌ی تاریخی هم از امپراتوری هخامنشی که پس از فتح بیشتر مناطق آسیای میانه بر اساس منابع مکتوب مانند کتیبه‌ها و نقش برجسته‌ها، تعداد حداقل ده ساتراپی هخامنشی به اثبات رسیده، مانند ساتراپی آریایی در منطقه‌ی هرات افغانستان و ساتراپی پارت‌ها در شمال خراسان و ترکمنستان و ساتراپی بلخ در دامنه‌های شمالی هندوکش و ساتراپی ارخوزی در اطراف شهر قندهار افغانستان و ساتراپی سته گیدیه در اطراف ایالت پنجاب پاکستان و ساتراپی خورازمیان در اطراف شهر خیوه و غرب ازبکستان و شمال ترکمنستان و ساتراپی سغد در اطراف شهر خجند تاجیکستان در آسیای میانه وجود داشته است. کشف مجموعه اشیای مختلف دوره هخامنشیان از آسیای میانه مانند گنجینه

بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی ... \_\_\_\_\_ رحیم ولایتی

نقیس جیحون یا مجموعه آرشیو بزرگ اسناد مالی شهر نسا در نزدیکی عشق آباد که مقر سلاطین اشکانی بوده، نشان دهنده ارتباط عمیق فرهنگی و سیاسی ایران با آسیای میانه بوده است. در دوره‌ی های بعد تا دوره‌ی ساسانیان نیز بسیاری از مناطق آسیای میانه تحت حکومت مرکزی ایران بوده اند، و پس از ورود اسلام به ایران در فاصله‌ی کوتاهی، خراسان بزرگ و آسیای میانه نیز زیر پرچم اسلام زندگی کرده و مرزبانان تمدن اسلامی در مقابل یورش مهاجمان بوده‌اند. همچنین در دوره‌ی سامانیان شهرهای خراسان بزرگ مانند مرو، نیشابور، بلخ و هرات و بخارا و سمرقند پایگاه فعالیت‌های پژوهش‌های علمی و معارف دینی شد و در بخارا، پایتخت سامانیان، و نیز سمرقند علمای بزرگی سربرآوردند که تألیف‌های بسیاری در علوم مختلف پدید آورده‌اند.

## 2. تعریف مسئله

این مقاله سعی دارد تا منشأ هنر بودایی را که تصور می‌شود شمال هند است، در آسیای مرکزی به‌ویژه در کشورهای آسیای میانه یعنی در کشورهای ازبکستان و ترکمنستان و تاجیکستان و خوارزم ردیابی و چگونگی رشد، توسعه و گسترش آن را پیدا کند. در شهرهای مختلف این منطقه از بامیان افغانستان گرفته تا افراسیاب سمرقند و تا شهرهای تاجیکستان و شهر مرو ترکمنستان، یافته‌های باستان‌شناسی حضور این هنر در این منطقه را به اثبات می‌رساند. براساس منابع مستند، به‌ویژه به زبان چینی، فرهنگ کوشانی بودایی از قرن سوم ق.م با هدف گسترش دین بودا در باختر شروع و بعدها حکومت مقتدر کوشانی در منطقه تاسیس و تا سال 220 میلادی ادامه داشته است.

## 3. بررسی تاریخ حضور کوشانیان در آسیای میانه

### 3-1. کلیاتی درباره‌ی حضور کوشانیان

دولت موریای هند در اواسط قرن سوم ق.م. سعی کرد دین بودایی را در باختر گسترش دهد. دولت یونانی باختری از این نفوذ دینی جلوگیری نکرد؛ زیرا می‌خواست خود را در ثروت هند شریک سازد. از این رو دین بودایی جای دین زرتشتی را آرام آرام در آسیای میانه گرفت.

کوشانی‌ها با تشکیل دولتی مستقل، تمدنی جدید را در تاریخ باختر رقم زدند. کانشکا مقتدرترین پادشاه کوشانی در 120 میلادی پایتختش را از باختر به بگرام و کاپیسا انتقال داد. این سلسله تا 220 میلادی دوام آورد، که گرایش خاصی را در سیطره سیاسی و مذهبی هند داشتند. یکی از قوی‌ترین حکومت محلی کوشانی‌ها، دولت کابلستان بود که برکاپیسا در جنوب هندوکش تا سواحل سند تسلط داشت. زبان پادشاهان کوشانی ختنی و تخاری بود که این دو زبان با هم تفاوت کلی داشتند (تالپوت رایس، 1372: 88).

### 2-3. عوامل گسترش دولت کوشانیان در آسیای میانه

عمر و دوام حکومت یونانی بلخ در حدود 170 ق.م به پایان رسید. اطلاعات پراکنده‌ای که متخصصان این دوران جمع‌آوری کرده‌اند، گواهی می‌دهد که با وجود درخشش دولت یونانی در بلخ و موفقیت نظامی آن در عمل با مشکلات داخلی فراوانی مواجه بوده است. یونانی‌هایی که به دور از میهن اصلی خود در این منطقه حکومت می‌کردند، از نظر تعداد، نسبت ناچیزی را در برابر ساکنان آن تشکیل می‌دادند. از سویی، نفاق و اختلاف میان نیروهای حاکم، سبب بروز کودتاهای پی‌درپی توسط قدرتمندان حاکم، برضد یکدیگر و برای ساقط کردن دولت آن‌ها به وجود می‌آمد که باعث ضعیف شدن دولت آن‌ها شد. بدون تردید ریشه‌ی تضادهای اصلی و ضعف حکومت یونانیان بلخ را باید در مخالفت نیروی عظیم مردم بومی در قبال فاتحان جست‌وجو کرد. با این حال ضربه نهایی و قطعی که منجر به از میان رفتن تسلط یونانیان بر منطقه گردید مربوط به جنگ‌های قبیله‌های چادرنشین است که از ناحیه‌ی شمال شرقی آمده بودند و می‌خواستند راهی را به سوی آسیای مرکزی بگشایند (بتیسکی، 1964: 111).

### 4. بررسی ارتباط ایران با کوشانیان در آسیای میانه

#### 1-4. ارتباط فرهنگی ایران و آسیای میانه

ارتباط و پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی که بین ایران و سرزمین وسیع خراسان بزرگ (آسیای میانه) از کهن‌ترین دوران‌ها برقرار بوده، مشاهده می‌شود. عوامل اصلی ارتباط فرهنگ

بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی ... \_\_\_\_\_ رحیم ولایتی

ایران را می‌توان از دوره‌ی امپراتوری هخامنشیان، و دوران ساسانیان، و نیز حملات مغول به ایران و حاکمیت دوره‌ی صفوی جست‌وجو کرد. چنانچه فرهنگ‌های باستانی و شناخته شده‌ی پیش از تاریخ آسیای میانه از دوره‌ی پارینه سنگی تا آخر و تمدن‌های دوره‌ی تاریخی از دوره‌ی مادها تا آخر دوره‌ی ساسانیان و ارتباط و پیوند تمدن اسلامی در ابعاد مختلف معماری و شهرسازی و سفال‌گری و خط و نقاشی و غیره با تمدن مستقر در سرزمین ایران نشان می‌دهد. بطوری که شباهت زیاد سفال‌های به‌دست آمده از حفاریات باستان‌شناسی عصر مفرغ ترکمنستان با سفال‌های تپه سیلک کاشان نیز نشان دهنده‌ی چنین ارتباط فرهنگی گسترده و عمیق فلات مرکزی ایران در این دوره با آسیای میانه می‌باشد. یا مجموعه اشیای مختلف دوره هخامنشیان کشف شده از آسیای میانه به‌نام گنجینه‌ی نفیس جیحون، موزه‌ی بریتانیا و آرشو بزرگ اسناد مالی شهر نسا در نزدیکی عشق‌آباد ترکمنستان که مقر سلاطین اشکانی بوده، نشان دهنده‌ی ارتباط عمیق فرهنگی و سیاسی ایران با آسیای میانه بوده است (ولایتی، 1390: 18).

#### 4-2. ساتراپی‌های هخامنشی منطقه آسیای میانه

تاریخ آسیای میانه برای ایران درحقیقت با انعکاس فتوحات کورش در این منطقه، آغاز می‌شود و در دوره‌ی داریوش گسترش نفوذ حاکمیت سیاسی ایران به اوج خود می‌رسد. چنانچه ملل تابعه‌ی این منطقه عبارت بودند از: ساتراپی‌های آریا و پارت، بلخ یا باکتریای، سغدو ساتراپی آراخوزی و ساتراپی زرنگیه‌ای، سته گیدیه‌ای و خوارزمی و دو ساتراپی سکایی. داریوش در کتیبه‌ای پیدا شده از شوش می‌گوید: این‌ها ملل تابعه‌ی بیرون از پارس حکومت من هستند و تعداد ساتراپ‌ها و ملل تحت سلطه‌ی خود را بیست و هفت ساتراپی اعلام می‌کند. (Koch, 1993: 113) مکان‌یابی جغرافیای آن‌ها در آسیای میانه بدین شرح است: 1. ساتراپی آریا: آریای‌ها در منطقه‌ای در اطراف شهر هرات در جنوب افغانستان نزدیک مرز ایران امروز زندگی می‌کردند. (Koch, 2000: 31) ساتراپی آریا در شمال به باکتریا یا بلخ، در جنوب زرنگیه یا سیستان و در غرب استان به پارت و هیرکانیه محدود می‌شد. (Jacobsa, 1994: 222) 2. ساتراپی پارت: ساتراپی پارت در شمال شرقی سلسله جبال البرز قرار داشته و از جهت شرق ساتراپی پارت به بلخ و استان جنوبی آریا محدود می‌

شده است. (Jacobs, 1994: 188) پارت‌ها که در نواحی جنوب شرقی دریاچه خزر زندگی می‌کردند. قسمتی از این منطقه در دشت گرگان جزو استان گلستان در شمال‌غرب ایران بوده و قسمتی دیگر جزو کشور ترکمنستان بوده است. (Koch, 2001: 31) 3. ساتراپی بلخ یا باکتریای: بلخی‌ها یا باکتری‌ها در دامنه‌های شمالی کوه‌های هندوکش تا اکسوس (Oxus) یا همان سیحون و آمودریای امروزی در آسیای میانه قرار داشته است. (Walser, 1966: 29) در کبیبه‌ی بیستون از فرماندار یا حاکم بلخ یا باکتریا به‌عنوان یکی از دو ساتراپ، یا اداره‌کننده‌ی ساتراپی‌ها نام برده شده است. (Jacobs, 1994: 213) 4. ساتراپی سغد: موقعیت جغرافیای ساتراپ سغد در منطقه‌ی دوری در شمال‌شرق قلمرو هخامنشیان و در ناحیه جنوب دریای آرال و بین رودخانه‌های اکسوس (آمو - دریای امروزی) و جاگسارتیس (Jaxartes)، (سیر دریای) قرار داشته است. در تطبیق موقعیت جغرافیای جدید این همان خطه ازبکستان و تاجیکستان امروزی است. (Koch 2001: 33) 5. ساتراپی بزرگ آراخوزی در جنوب‌شرقی قلمرو هخامنشیان قرار داشته، و احتمالاً منطقه پنجاب در پاکستان و بخش قندهار افغانستان امروز بوده است. (Roaf, 1974: 113) اشمیت هم نقش نماینده‌ی قوم آراخوزی شماره‌ی 10 حمل‌کننده‌ی تخت شاهی مقبره‌ی داریوش اول در نقش رستم را شناسایی کرده است. (Schmidt, 1970: 42) 6. ساتراپی زرنگیه‌ای که تا منطقه فراح (Farah) در افغانستان امتداد داشته و تا بخش شمالی استان‌های نیمروز حلمان و اوروزگان در افغانستان ادامه پیدا می‌کرده است. (Jacobs 1994: 234) ساتراپی ستا گدیها (Sattagydia) در فهرست‌های رسمی با عنوان "توگود" و یا "تتکودیه" آمده است. تتگوش اسم دهیوش یا ساتراپی است که این قوم نام خود را از آن گرفته بود. ساتراپی ستاگدی‌ها سرزمین همجوار مشرق گنداره یعنی پنجاب بوده که در مسیر رود سند با گنداره همسایه بوده است. (Toynbee 1954: 44) 8. ساتراپی خوارزم از مناطق دور دست امپراتوری در شمال شرق هخامنشیان در ناحیه جنوب دریاچه آرال بین رودخانه‌های اکسوس (آمودریای) و جاگارتا (سیردریای) ازبکستان و تاجیکستان قرار دارد. (Koch 2001: 35) 9. 10. سکا نام پارسی اسکیت‌ها بود که موقعیت جغرافیای محل سکونت آن‌ها از شمال دریای سیاه تا آسیای مرکزی گسترده بوده است. در بیشتر منابع چند ساتراپی را برای سکاها ذکر کرده‌اند. (توین بی، 1379: 115)

#### 4-3. تأثیر وجود زبان مشترک بین اقوام ایرانی با سایر اقوام آسیای میانه

زبان نوشتاری هپتالیان در آسیای میانه فارسی میانه بوده، این قوم که در ناحیه بالای جیحون کشوری را بنیان نهادند، ولی از 565 میلادی از قوای مشترک ساسانی و ترکان شکست خوردند. همچنین سغدیان که در مرکنده (سمرقند) استقرار داشتند و ایرانی الاصل بودند و از زمان داریوش اول تابع دولت ایران قرار گرفتند، زبان سغدی که از زبان‌های معروف آسیای میانه است. (مصاحب، غلامحسین 1345: ذیل کلمه‌ی سغد) همچنین، تاجیکستان در دوران پیش از اسلام جزئی از حاکمیت ایران بود. پس از اسلام، سرزمین خراسان بزرگ از جمله تاجیکستان زنده کننده‌ی فرهنگ ایرانی و به وجود آورنده‌ی زبان فارسی دری بود که جانشین زبان پهلوی شد. با وجودی که ایران و تاجیکستان و مناطقی از سمرقند و بخارا و فرغانه مرز مشترکی ندارند، اما زبان فارسی به صورت زبان رسمی مردم منطقه‌های یاد شده است. (نیات 1376: 3) همچنین زبان مردم خوارزم که اکنون بخشی از جمهوری خود مختار قراقالپاق در کشور ازبکستان به شمار می‌رود، زبان مخصوص خوارزمی بوده، اما در عصر اسلامی واژه‌های زبان دری فارسی و عربی چنان نفوذ کرد. به طوری که در قرن دوازدهم، تمام احکام و فرمانهای حکام خوارزم به فارسی صادر می‌شده است، و بسیاری از شاهان و شاهزادگان و امیران خوارزم به زبان فارسی از خود اشعار به ویژه رعیات باقی گذاشته‌اند. (تکمیل همایون 1383: 103) در دوره‌ی حکومت سامانیان که یکی از برجسته‌ترین دوره‌های تاریخ ایران و آسیای میانه بوده است. در این دوره، شهرهای خراسان بزرگ مانند مرو، نیشابور، بلخ و هرات و بخارا و سمرقند، پایگاه فعالیت‌های پژوهش‌های علمی و معارف دینی شد و در بخارا، پایتخت سامانیان و نیز سمرقند علمای بزرگی سر برآوردند که تألیفات بسیاری در علوم مختلف پدید آمد. از سوی دیگر در عهد سامانیان و به تشویق این سلسله‌ی ایرانی، زبان و ادب فارسی جدید شکوفا شد و آثار فراوانی به نظم و نثر فارسی پدید آمد. (ناجی، 1384: 7)

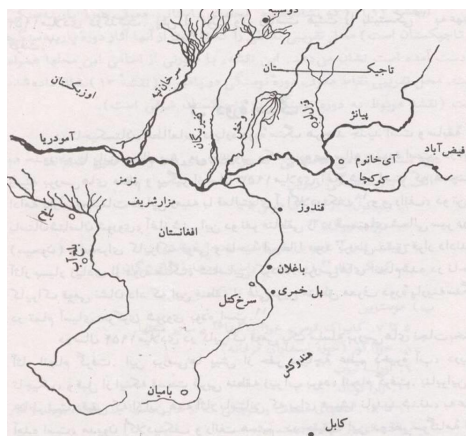
#### 4-4. بررسی چگونگی ارتباط ایران با کوشانیان در آسیای میانه

امپراتوری کوشانی نام امپراتوری همسایه‌ی شرقی اشکانی است که توسط قوم کوشان بر آسیای میانه و شمال هند فرمان‌روایی می‌کردند. قلمرو کوشانیان در سده‌ی سوم میلادی به دست ساسانیان افتاد. قوم کوشان را با تخاریان مرتبط می‌دانند. در این امپراتوری، دین بودایی رواج داشت و تندیس‌های بودای بامیان یادگاری از آن دوره است. بعدها، قندهار و پنجاب به

دست یک سلسله از طایفه‌ی یوئه‌چی افتاد که آنها را از نژاد سکا می‌دانند و معروف به کوشانیان هستند. پادشاهان کوشان تمام قلمرو یوئه‌چیان و تخاریان را با بخش بزرگی از سرزمین سکاها به تصرف خویش درآوردند و عاقبت بعد از سال 125 م این کشور به پادشاهی بنام کانیشکا تعلق گرفت، که در ادبیات بودایی شهرتی فراوان دارد و از مبلغان و معتقدان مؤمن دیانت بودایی بوده است. (کریستن، 44: 1367) مهم‌ترین منبع مربوط به تاریخ پادشاهی کوشانیان سکه‌های شاهان کوشانی می‌باشد. این سکه‌ها، اطلاعات جامع و کاملی در مورد پادشاهان کوشانی ارائه می‌دهند. (بلیتیسکی 1364: 138) ولایت یا استان تخار در شمال افغانستان از مناطقی است که تخارها یا کوشانی‌ها نام خود را به او داده‌اند و مردم این استان از بازماندگان کوشانی‌ها می‌باشند که زبانشان فارسی و خود را تاجیک می‌نامند. اردشیر اول ساسانی پس از تسخیر سگستان و مرو و خوارزم و بلخ، قدرت خود را بر نواحی شرقی نیز بسط داد. پادشاهان کوشان از دره‌ی کابل و پنجاب و مکران، سفیرانی به حضور او فرستادند و او را به پادشاهی شناختند. در زمان شاپور اول برادر او، پیروز، به حکومت کوشان گماشته شد و لقب پادشاه بزرگ کوشان داشت. (کریستن 122: 1367)



نقشه‌ی 2. امپراتوری کوشانیان، (ولایتی 1390: 62)



نقشه‌ی 1. امپراتوری کوشانیان (فرامکین 1372: 77)



بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی ... \_\_\_\_\_ رحیم ولایتی

4 شاپور دوم لازم دید که از جانب حدود شرقی کشور نیز تکلیف خود را با کوشانیان، که مداخله‌های آن‌ها ممکن بود مانع از توفیق در کار روم باشد، روشن کند. در اینجا نیز بخت با وی یار شد؛ زیرا ضعف کوشانیان، سرزمین آن‌ها را که یکبار نیز در مقابل پدرش، هرمز دوم، تسلیم شده بود، در سال 375 میلادی به قلمرو شاپور درآورد و کوشان از آن پس تا دوران بهرام دوم که هیاطله (هفتالیان) در آن حدود غلبه یافتند، یک ایالت ایرانی شد. (زرین کوب، 1364: 449) سکه‌های معروف به سکه‌های سکایی و ساسانی که از طرف نواب سلطنت قسمت شرقی دولت ایران ضرب شده، حاکی از این است که تا زمان بهرام دوم این ایالت بزرگ در زیر فرمان یکی از شاهزادگان سلطنتی ملقب به کوشانشاه بوده است. (کریستن 253: 1367)



نقشه‌ی 3. موقعیت و تصویری از شهر بامیان در افغانستان (ولایتی، 34: 1389)

طبری نوشته است که بهرام‌گور که از 421 میلادی تا 438 میلادی پادشاه ساسانی بود، با ترک‌ها جنگیده است. فردوسی هم از شکست ترک‌ها بدست بهرام‌گور سخن گفته است و این درحالی است که در زمان بهرام‌گور هنوز ترکان به این ناحیه نیامده بودند، بنابراین درباره‌ی کدام ترک‌ها سخن رفته است؟ تاریخ‌دان ارمنی نیز به نام یگیشه و ارداپت خبر می‌دهد که یزدگرد دوم ناگهان به کشور خیانیان تاخت که آن‌ها را کوشانیان هم می‌گویند. خلاصه دو مآخذی که اصلاً هیچ ارتباطی با هم ندارند، خیانیان را با کوشانیان پیوند داده‌اند و این امر ثابت می‌کند که جداکردن خیانیان از کوشانیان امکان‌پذیر نیست. در مآخذ زبان پهلوی و زرتشتی،

هیتالیان با خیانان و در مآخذ عربی، هیتالیان با ترک‌ها و در مآخذ ارمنی، هیتالیان با کوشانیان آمیخته شده‌اند و این یکی از دلایلی است که مطالعه در مورد تاریخ این منطقه را مشکل ساخته است. (غفوروف، 1377: 312)

## 5. شناسایی انواع هنر بودایی کوشانی در آسیای میانه براساس یافته‌های باستان‌شناسی

از دوره‌ی استقرار و حکومت کوشانیان بودایی در آسیای میانه حداقل چهار نوع اثر هنری باقی مانده که در پژوهش‌های باستان‌شناسی کشف و معرفی شده است: 1. نقاشی، مینیاتور پرداززی و آثار ترسیمی، 2. آثار معماری که بیشتر عبارتند از معماری معابد بودایی، 3. هنر پیکرسازی و تندیس‌گری بودایی، 4. هنر زیورالات و جواهرات کوشانی‌های آسیای میانه.

الف. توصیف نقاشی بودایی در آسیای میانه: تصاویر بودایی در نقاشی یادبودی آسیای میانه، بیش از همه به چشم می‌خورند. نمایش‌های بودا در صومعه‌های فیض تپه و قره تپه از الگوهای هنری پیروی می‌کنند. در آثار بوداییان غیر روحانی چنین نیست، چنان‌که بخش زیرین یک ترکیب دیواری در فیض تپه گروهی از پرستندگان را در پوشاک مرکب از خفتان نقشدار کوشان، تنبان گشاد و کفش نرم نشان می‌دهد، پاره‌ای از صحنه‌ای دیگر، زنانی را در پوشاک موج و ریزان به نمایش می‌گذارد، و باز پاره‌ای دیگر هدیه دهنده‌ای را به تصویر می‌کشد که نیمرخ مشخص و آرایش موی سرش رومیان اوایل امپراتوری را در ذهن بیننده متبادر می‌کند. همچنین نقاشی‌های درون کاخ خالچیان معابد باختری و سراهای مسکونی دالورزین تپه نشان می‌دهد. که هنرمندان می‌کوشیدند فرد را منعکس سازند و تنوع گسترده‌تری در گونه‌های قومی متفاوت آسیایی را نشان می‌دهد: مردی با چهره‌ای که به تمامی دیده می‌شود، و خطوط چهره منظم، چشمان درشت و موی آراسته به شیوه یونانی - باختری آن دوره دارد. (بوگاچیکوا و خاکیموف 1372: 91) در طی دوره‌ی باستانی متأخر (سده‌های دوم و سوم) حالتی کلیشه‌ای بر تصاویر حاکم شد؛ بدین‌سان، مثلاً زنان معروف به «بی‌بی‌های دل» در نقاشی‌های توپراک قلعه بدون شک اهل خوارزمند، ولی نیم‌رخشان فاقد هرگونه ویژگی فردی است. موضوع اولیه این نقاشی‌ها جنبه‌ی غیردینی دارد. شخصیت‌های ارائه شده عبارتند از:

بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی ... \_\_\_\_\_ رحیم ولایتی

بانوان نجیب‌زاده، خدمت‌کاران، یک نوازنده‌ی چنک، یک خوشه‌چین، یک جوان حامل تعدادی طومار و نیز عناصری چون یک جنگل نی و بیر، یک رثد روان و ماهیانی در آب‌ن‌یز در این تصاویر به چشم می‌خورند. دوره بین سده سوم و اوایل سده‌ی پنجم شاهد نقطه عطفی شد، و آن هنگامی بود که هنرهای تزئینی آسیای مرکزی در عین حفظ پیوندهای خود با عصر باستان، الگوهای باستانی را دگرگون کردند و به ایجاد آن چیزی پرداختند که سرانجام در دوره‌ی فئودالی به شکل‌های معین شمایل پردازی و سبک خاص هنری مبدل شد. (همان منبع)

ب. توصیف معبد بودایی: مهم‌ترین اثر معماری بودای در آسیای میانه معابد بودایی یا استوپاست که از دو قسمت مساوی تشکیل یافته است. هر قسمت به شکل یک چهارگوشه با طول حدود پنجاه متری به هم چسبیده‌اند و بوسیله‌ی یک گذرگاه به هم مربوط هستند و هر قسمت روی یک طرح چهار ایوانی بنا شده‌اند. استوپا شناخته شده‌ترین و آشکارترین علامت بودائیسیم است؛ این نماد حامل یادگارهای بارزشی است که برای احترام به بودا و سایر شخصیت‌های مذهبی پدید آمده‌اند. یکی از برجسته‌ترین استوپاها استوپای سانچی است. این بنا اولین نشانه‌ی ملموس مذهبی است که بعد از تولد بودا به کار گرفته می‌شود و همانند علامت خیره‌کننده‌ای است که پیروانش را برای اولین بار به خود جذب می‌کند؛ بنابراین استوپا به‌وسیله‌ی یک حجم معماری خارجی که شامل راهروها و معبد‌های کوچک و تعداد زیادی نمازخانه‌های کوچک به‌وسیله‌ی یک ایوان به طرف استوپا رخ گشوده‌اند در بر گرفته شده است. (بلیتیسکی، 1364: 79)



تصویر 5. استوپای بزرگ سانچی (کاردرنر 1374: 686)



تصویر 4. استوپاهای بودایی قدیمی (برازش، 1386: 85)

ج. هنر پیکرسازی بودایی: در دوره‌ی بین سده‌ی نخست ق.م و سده‌ی نخست میلادی چند مرکز عمده‌ی تندیسگری در آسیای مرکزی وجود داشتند؛ مثلاً در خالچیان عمدتاً لوح‌های برجسته‌ی منقوش از گل رس تولید می‌شدند که به‌صورت اجزای ترکیب‌های دیواری استفاده می‌شدند. مضمون اصلی در این سلسله‌ی تصویری، تجلیل از سلسله‌ی حاکم شاهان کوشانی است. صحنه‌هایی که به تصویر در آمده‌اند، مجالس ضیافت در دربار و صحنه‌های جنگ را در بر می‌گیرند. در طی نخستین سده‌های این دوره‌ها تندیسگری باختری در التزام موج بودیسم فرارسیده از هند به شدت تحت تأثیر نفوذهای نو قرار گرفت. در نتیجه، تندیس‌ها و نقش برجسته‌های ایرتم و ترمذ کهن از الگوهای بودایی پیروی می‌کنند، البته این پیروی با افزودن بخشی از سنت تندیسگری محلی نیز همراه است. (پوگاخپکوا و خاکیموف 1372: 124)

د. هنر زیورالات و جواهرات کوشانی‌های آسیای میانه: هندوسکاها یا همان کوشانیان که بیشتر با این نام شناخته می‌شوند، به‌صورت فرمانروایان بلامعارض در شمال‌شرقی باکتریا باقی ماندند و نخست با پارتیان و سپس با ساسانیان به رقابت پرداختند و از تجارتي که در طول راه ابرایشم انجام می‌گرفت ثروتمند شدند. اما همچنان جامه‌های بدوی نیاکان خود را برتن می‌کردند، هر چند با افزودن جواهر بر آن جامه‌ها بر ارزش آن‌ها می‌افزودند؛ زیرا مردم باکتریا به آن‌ها آموخته بودند که از اشیای تجملی و زینت‌آلات شخصی لذت ببرند. (تالبوت رایس 1372: 134)

## 6. بررسی هنر کوشانیان در ازبکستان

شهر ترمذ کهن‌تر چند کیلومتری شهر جدید "ترمذ" در جنوب ازبکستان به عنوان مرکز اصلی استقرار بودیسم در آسیای میانه نقشی مهم در ترویج این آیین در منطقه داشته است. آیین بودا از قندهار، کوه‌های هندوکش و شمال افغانستان به ترمذ وارد شد و معابد فیاض‌تپه، قره‌تپه و همچنین استوپای زورملا باقی‌مانده از مجموعه استوپاهای منفرد در شهر کهن ترمذ، امروز یادگاری از آئین بودا بر پیکر این سرزمین است. (ولایتی، 1390: 70)



نقشه 6. موقعیت ترمذ نو و کهنه (ولایتی، 1390: 70) نقشه 7. موقعیت شهر ترمذ در رابطه با افغانستان (ولایتی، 1390: 70)

#### 6-1. بررسی باستان‌شناسی ناحیه‌ی سرخان دریا منطقه‌ی ترمذ، ایرتم، قره‌تپه

گزارش‌های باستان‌شناسی در ترمذ آثار اوایل دوره‌ی کوشانیان را معرفی می‌کند. براساس گزارش کشفیات اخیر آلبانوم در کوچک‌تپه و اقع در شمال ترمذ تاریخ باختر را چندین قرن عقب برد. در این محل علاوه بر اشیای آهنی، سر پیکان و کاردهای برنزی نیز کشف شد. ترمذ باستانی (حدود ده کیلومتری ترمذ کنونی) در کنار آمودریا واقع شده است. تاریخ آن به قرن سوم یا دوم ق.م می‌رسد. احتمالاً یکی از شهرهایی بوده است که دمتریای نامیده می‌شده است. این شهرها نام خود را از نام حکمران باختر موسوم به دمتریوس (189-167 ق.م) گرفته‌اند. به‌تازگی تعدادی سکه از ایرتم به‌دست آمده که دلیلی است بر اینکه این شهر قبل از دمتریوس، دایر و آباد بوده است. این شهر که در راه بلخ به سمرقند واقع شده به صورت پایگاهی در مسیر راه کاروان رو هند و افغانستان به ترکستان شرقی و چین بوده است. (فرامکین، 1372: 179) نخستین بار در سال 1927 م بررسی در این محل توسط ب. پ. دنیک آغاز شد و سپس م. ماسون آن را پیگیری کرد که موفق به کشف قلعه‌ی بزرگی شد. معمولاً نام ترمذ با نقش برجسته‌هایی مشهور، که از سنگ آهک تراشیده شده‌اند و از شهر ایرتم واقع در هیجده کیلومتری ترمذ به‌دست آمده‌اند، شناخته می‌شوند. این نقش‌های برجسته متعلق به اوایل دوره‌ی کوشانیان و یا احتمالاً قرن اول میلادی است. در این نقش‌های برجسته، مردان و زنان جوان در میان شاخ و برگ‌های کنگر نشان داده شده‌اند، و به وسیله‌ی نوازندگانی که مشغول نواختن

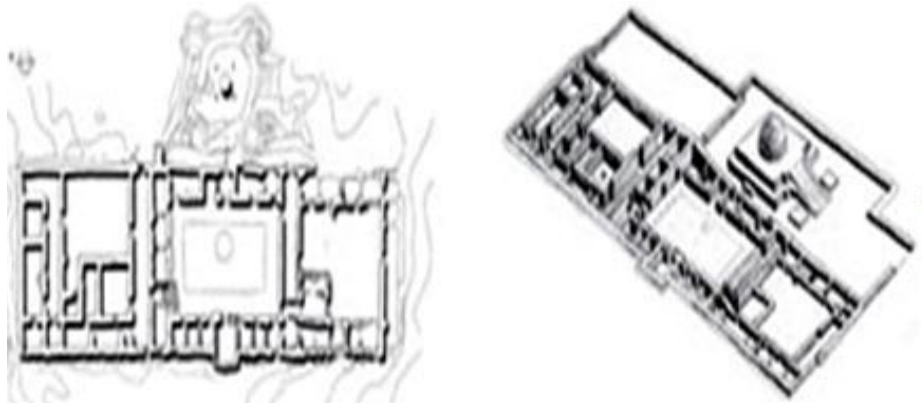
آلات موسیقی متداول در آسیای میانه است سرگرم هستند. نقش‌های مزبور اصولاً بازتابی از هنر قندهار است که نشانه‌هایی از هنر هلنی و بومی را می‌توان در آن‌ها ملاحظه کرد. براساس احتمالات اثبات نشده این نقش‌ها به معبدهای بودایی تعلق داشته اند. (همان منبع)



تصویر 8. بقایای معماری فیاض تپه (ولایتی، 1390: 72)

## 2-6. فیاض تپه (Fayaz Tepa)

در این تپه، نشانه‌ی بودایی محوطه شامل دو قسمت جدا از هم معبد و استوپا می‌باشد، بخش معبد فضایی چهارگوش با ابعاد  $113 \times 34$  متر بوده و خود مشتمل بر سه قسمت صومعه (قسمت مرکزی)، محل اقامت و آموزش رهروان (قسمت شمالی) و محل نگه داری اشیاء و فضاهای خدماتی (قسمت جنوبی) می‌باشد. قسمت اصلی معبد را صومعه‌ای شکل گرفته در اطراف حیاط مرکزی به ابعاد  $30 \times 20$  متر تشکیل می‌دهد. این حیاط مرکزی در چهار سمت با ایوان‌هایی ستوندار محصور است و دیوارهای آن براساس آثار کشف شده در حفاری‌های سال 1977 منقوش به نقاشی دیواری و مجسمه‌های کوچک بوده است. استوپا در این معبد از نوع استوانه‌ای و از آجر خشتی بوده است و با تصاویری از لتوس منقوش بوده است. استوپا در اینجا در داخل مجموعه، ولی جدا از صومعه بنا گشته است. (ولایتی، 1390: 72)



تصویر 9. طراحی بقایای معماری فیاض تپه (ولایتی، 1390: 72)

### 3-6. دیر بودای قره تپه

در گوشه‌ی شمال غرب ترمذ در محلی به نام قره تپه بقایای یک دیر بودایی کشف شد. گفته می‌شود این دیر در آغاز قرن دوم م. بنا شده بود و در قرن چهارم م. متروک شد. در سال 1961 م. استاویسکی بنای دیر را از طرف موزه ارمیتاز و با کمک‌های فرهنگستان علوم ازبک و با همکاری موزه‌ی هنر مردمی شرق مسکو بررسی شد. این بنا از صخره‌ی بزرگی تراشیده شده است. این روش ساختمانی ویژه‌ی هندی‌هاست و در مناطق شمالی هند و کش یک استثنا به شمار می‌رود. از قره تپه علاوه بر سکه‌های کوشانیان و همچنین نقش‌های دیواری که در وضعیت بسیار بدی باقی مانده‌اند. نقش‌های برجسته گچی و بقایای تندیس‌های بزرگی، که یاد آور نمونه‌های قند هار و شمال افغانستان هستند نیز به دست آمده است. (فرامکین، 1372: 181)



تصویر 10. سرستون با سر انسان، حیوان و کاونر از قره تپه (فرامکین 1372: 182)

قره تپه (Kara Tepa) از دیگر معابد بودایی به جای مانده در یک کیلومتری جنوب فیاض تپه واقع شده است و شامل یک حیاط مرکزی بزرگ به همراه فضاهایی در اطراف آن، یک استوپا جدا از این مجموعه‌ی و دو مجموعه غار کن با فاصله در بلندی‌های غرب و جنوب این فضاها برای اسکان دائم یا موقت تارک دنیاها و زوار معبد است. حیاط مرکزی در این مجموعه نیز فضای اصلی معبد است و با ایوان‌هایی محصور شده است.

استوپا در اینجا در داخل مجموعه قرار گرفته و از پایه‌ای چهارگوش با چهار ستون و بدنه‌ی استوانه‌ای تشکیل شده است. (ولایتی، 1390: 73) ترمذ

که بر سر راه بلخ و سمرقند است، در

دوره اسلامی نیز آباد بود و آثار متعدد آن در این دوره مطالعه و بررسی شده است. کاوش‌های آلبائوم در بالالیک تپه نیز سبب به یافتن آثاری از فرهنگ کوشانی شد. سمرقند جدید، در حاشیه‌ی رودخانه‌ی زرافشان، که روزگاری پایتخت امیر تیمور گورکان بود و افراسیاب نامیده می‌شد، پس از ویرانی شهر قدیم به دست مغول در کنار سمرقند قدیم بنا شد. افراسیاب، که احتمالاً اولین بنای آن در قرن 6 ق. م بوده و سپاه اسکندر نیز آن را تخریب کرده بود، در دوره‌ی هیاطله (هپتالیان، هونها) بازسازی شد و به صورت شهری آباد درآمد. کاوش شهر قدیم افراسیاب از 1875 م. آغاز شد؛ ولی شروع کاوش‌های علمی دقیق در این شهر از 1958 م. و زیر نظر شیشکین، باستان‌شناس روسی بوده است. در این شهر آثار معماری و نقاشی‌های دیواری هنرمندانه‌ای کشف شد که شناخت تاریخ قدیم منطقه را آسان کرد. این نقاشی‌ها عموماً



بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی ... \_\_\_\_\_ رحیم ولایتی

از قرن هفتم میلادی برجای مانده است و در برخی از آنها کتیبه‌هایی به خط سغدی وجود دارد. کاوش‌های باستان‌شناسی خوارزم نیز از 1937 م. به سرپرستی تولستوف آغاز شد و آثاری از ادوار سنگی تا سلطه‌ی هونها بر این منطقه، دوره‌های ساسانی، کوشانی و ادوار مختلف اسلامی، کشف و مطالعه شد. (همان منبع)



تصویر 11. بقایای معماری قره تپه (ولایتی، 1390: 73)

#### 4-6. خالچیان:

خانم ج. پوگا چنکووا موفق به کشف آثار مهمی از خالچیان شد. بررسی‌های باستان‌شناسی در این ناحیه از سال 1959 م. تحت نظارت موسسه‌ی هنرهای فرهنگستان علوم ازبکستان آغاز شد. کشفیات عبارت بود از بقایای یک شهر باستانی که گفته شده است، قدیمی‌ترین طبقه‌ی استقرار آن متعلق به قرن چهارم ق.م و بقایای یک کاخ بزرگ متعلق به نیمه‌ی دوم قرن اول ق.م بود. دوران افول آبادانی شهر از قرن سوم م. آغاز شده که کاخ مزبور در قرن چهارم م. یعنی همزمان با انقراض امپراتوری کوشانیان و احتمالاً ویران شد. آثار به‌دست آمده از خالچیان عبارت بودند از سکه‌ها، پیکرک‌ها، استودان‌ها، سفال، نقش‌های دیواری و مهم‌تر از همه تندیس‌ها. تعداد زیادی از سکه‌ها متعلق به دوره‌ی قبل از کوشانیان، کوشانیان، ترک‌های سغدی و جدیدتر بوده است. نگاهی گذرا به تندیس‌های خالچیان حتی توسط افراد غیرمتخصص جذابیت طبیعی این آثار برجسته‌ی هنری را مشخص می‌کند. (فرامکین، 185: 1372) نقاشی‌های دیواری کاخ خالچیان به‌صورت قطعه‌های کوچک باقی مانده‌اند. این نقاشی‌ها نشان دهنده‌ی شکوه و عظمت باستانی دوره‌ی خود هستند.



تصویر 13. سر تندیس از محوطه‌ی خالچیان (فرامکین، 1372)



تصویر 12. نقاشی کوشانی محوطه‌ی خالچیان ازبکستان (فرامکین، 1372)

برخی از این نقاشی‌های دیواری صرفاً تزئینی هستند مانند گل‌ها، پیچک‌ها، میوه‌ها و غیره. برخی دیگر هیکل افرادی هستند که بعضی از آن‌ها به سبک غربی نقاشی شده‌اند. نگاهی گذرا به تندیس‌های به‌دست آمده از خالچیان ازبکستان جذابیت طبیعی آن‌ها را مشخص می‌کند. این سرها که تقریباً به اندازه‌ی طبیعی و با گل روی قالب‌های نیی ساخته شده‌اند، چهره‌ی طبقات گوناگون اجتماع را نشان می‌دهند. همه‌ی تندیس‌های خالچیان افراد معمولی را نشان می‌دهد. هر چند خانم پوگاچنکوا عقیده دارد که این مجسمه‌ها افراد معمولی یونانی، رومی، پارتی و هندی‌اند. (همان منبع)



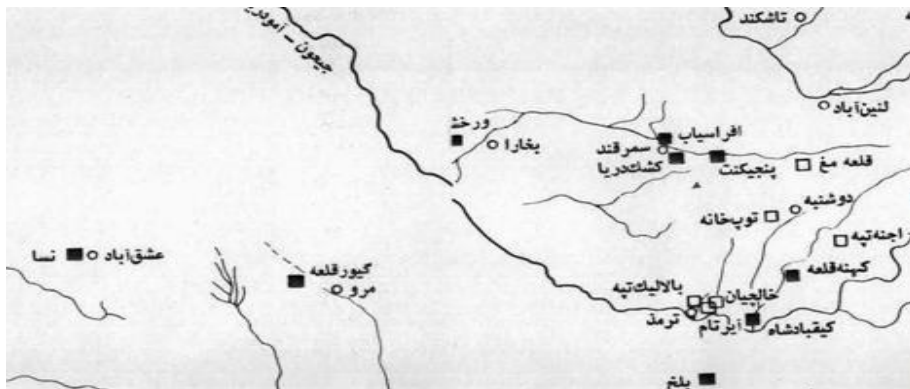
تصویر 15. سر تندیس از محوطه‌ی خالچیان (فرامکین، 1372)



تصویر 14. سر تندیس از محوطه‌ی خالچیان (فرامکین، 1372)

## 5-6. کاخ بالالیک تپه

این تپه در چهار کیلومتری جنوب شرقی آنگور واقع شده است. این کاخ مانند بسیاری از محل‌های باستانی این منطقه متعلق به دوره‌ی کوتاهی است که به خوبی توصیف شده است. این دوره از اواخر قرن پنجم م. تا اوایل قرن هفتم م. ادامه داشته است. در نقاشی‌های دیواری بالالیک تپه برخلاف نقاشی‌های پنجکنت که صحنه‌های گوناگونی به تصویر کشیده شده‌اند، ویژگی‌هایی ملاحظه می‌شود که از جمله گویا بودن آنهاست. در این صحنه‌ها مردان بدون ریش و زنانی تصویر شده‌اند که صورت گردی دارند و لباس‌های عالی پوشیده‌اند و با جواهرات خود را آراسته‌اند. هریک از اشخاص این صحنه نقاشی یک جام یک ساغر، یک آیینه و کاردی در دست دارند. این‌ها بانقاشی‌های افراسیاب و رخشا و پنجکنت و ترکستان چین شباهت بسیار نزدیکی دارند. به احتمال زیاد نقاشی‌های بالالیک تپه نشان دهنده و ویژگی‌های زندگی طبقه‌ی حاکم هیاطله در نیمه اول قرن هشتم م. یعنی قبل از اینکه تحت تسلط ترک‌ها قرار بگیرند، بوده است. به نظر می‌رسد، نقاشی‌های دیواری و اشیای به دست آمده از بالالیک تپه، به‌رغم حضور چند عنصر بودایی در آن‌ها ارتباطی با هنر آیین بودایی نداشته باشد و می‌تواند یک هنر بومی را معرفی کند. (فرامکین، 1372: 192)



نقشه 16. موقعیت جغرافیای محوطه‌های دوران تاریخی منطقه‌ی ترمذ ازبکستان (بلیتیسکی، 1364: 294)

کاخ یا قصر بالالیک تپه مانند سایر قصرها و قلعه‌های دفاعی در تمامی آسیای مرکزی ارباب‌های روستایی هستند که از شکل کلی و یکسانی برخوردار هستند. بیشتر این خانه‌های

دفاعی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند. خصوصیات زیر را دارند: محل مخصوص زندگی بر روی کرسی یا پایه‌ای دست ساز بنا شده است؛ به ویژه مشخص‌ترین شکل بنا در این زمینه عبارت است از بنای بالالیک تپه در پانزده کیلومتری شمال شهر ترمذ. این بنا سی متر مربع مساحت دارد که بر روی پایه‌ای به ارتفاع شش متر ساخته شده است. جالب‌ترین قسمت آن عبارت است از یک اتاق کوچک که طول هر ضلعش  $4/85$  متر است و دور تا دور آن سکویی از کاهگل ساخته شده است. اینجا اتاق پذیرایی است و باتوجه به طرح و تزئینات نقاشی دیواری آن تنها اتاق عمده‌ی خانه به شمار می‌رود. (بلیتیسکی، 1364: 174)



تصویر 18. نقاشی بالالیک تپه ازبکستان (فرامکین،

1372: 192)



تصویر 17. نقاشی بالالیک تپه ازبکستان (فرامکین،

1372: 193)

موضوع نقاشی‌های بدست آمده از بالالیک تپه عبارت است از مراسم مهمانی تشریفاتی، که در این مراسم، تعداد زیادی شرکت کننده حضور دارند، نقاشی‌ها روی دیوار سه جانب اتاق محفوظ مانده‌اند، در مجموع چهل و هفت تصویر مرد و زن با جامه‌های مجلل و مزین به گل و بوته‌ی چند رنگ در آنجا وجود دارد. پیکره‌های مزبور دو ردیف دارند: در قسمت جلو مهمان‌ها درحالت‌های مختلف، برخی چهارزانو، بعضی لم داده و در پشت آن‌ها با اندازه‌های کوچک‌تر خدمت‌کاران در حالی که بادبزن‌های بزرگ در دست دارند، کشیده شده است. آنها در یک دست یک جام یا کاسه دارند و در دست دیگر تعدادی از آن‌ها یک شئی کروی که در انتهای یک شاخه قرار گرفته دیده

بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی ... \_\_\_\_\_ رحیم ولایتی

می‌شود. مردها هر یک خنجری با غلاف تزئینی و با غلاف‌های دیگری که و سایل آرایش را در بر دارند، در کمرشان دیده می‌شود. (بلیتیسکی، 1364: 175)



#### 6-6. افراسیاب سمرقند مهم‌ترین محوطه‌ی باستانی کوشانیان در ازبکستان

ناحیه‌ی افراسیاب، بخش باستانی و قدیمی سمرقند، در قرن ششم یا پنجم ق.م بنا شده باشد. در سال 329 ق.م به و سیله‌ی سپاه اسکندر بشدت آسیب دیده و پس از انقراض امپراتوری کوشانیان شهر، غارت و به شدت ویران شد. در فاصله‌ی قرن 5 تا 7 م. در دوره‌ی هیاطله و در دوره‌ی فرمانروایی ترک‌ها به‌صورت یک شهر باشکوه درآمد. در سال 1220 افراسیاب در نتیجه‌ی حمله‌ی مغول به رهبری چنگیزخان مجددا و ویران شد. پژوهش‌های باستان‌شناسی در این محل که از سال 1880 م. آغاز شده بود تا سال 1958 م. ادامه یافت. یافته‌های این پژوهش‌ها عبارت بود از چند نقاشی دیواری که در سال 1913 پیدا شده بود و مقادیر زیادی ظرف‌های سفالی و پیکرک‌های سفالی که به شکل زن ساخته شده بودند و معرف الهه‌های هلنی بومی بودند. آثار مهمی از دوران بلخی - یونانی در افراسیاب در دوطبقه معروف به افراسیاب III و II به‌دست آمده است. (بلیتیسکی، 1364 : 106)



تصویر 19. هوایی شهر افراسیاب سمرقند ازبکستان (ولایتی، 1390: 80)

در بهار سال 1965م. حفار افراسیاب موفق به کشف یک اثر زیبا از داخل ویرانه‌های یک منزل مسکونی قدیمی واقع در مرکز شهر شد. برخی از دیوارهای این خانه‌ی قدیمی نقاشی شده بودند اما فقط قسمت‌های پایین و تا ارتفاع حدود دومتري این نقاشی‌ها باقی مانده بودند. نقاشی‌های دیواری افراسیاب متعلق به قرن هفتم م. است. در میان نقاشی‌ها صحنه‌ای است رنگارنگ و بسیار زیبا که مردان و زنانی را در لباس‌های تزیینی باشکوه نشان می‌دهد. در پیشاپیش این عده، فیلی که با تزیینات زیادی آراسته‌اند، در حرکت است. تصویر تعداد زیادی اسب، شتر و پرندگان بزرگ سفیدرنگ مکمل این صحنه‌ی نقاشی است. نوشته‌های این صحنه، که به خط سغدی است و توسط لیو شیتز خوانده شده، به تعبیر نقش‌های این صحنه کمک کرده است. به موجب این نوشته‌ها، این نقاشی‌ها از اهمیت بسزایی برخوردارند. (فرامکین، 199: 1372)



تصویر 20. قطعه‌هایی از نقاشی‌های دیواری شهر فراسیاب سمرقند (فرامکین، 1372)

این صحنه، نمایش مراسم عروسی شاهزاده خانمی از اهالی چغانیان (سرخان دریا) است، که در زیر سایبانی بر فیلی سفید نشسته است، و به سمرقند می‌آید تا همسر حاکم سمرقند شود. همراهان او عبارت‌اند از ندیمه‌هایی که بر اسب سوارند و دونفر ایلچی شتر سوار که با عصایی در دست که اشاره‌ای است بر مأموریت رسمی آن‌ها و ملازمان سربازان و فرستادگانی که حامل هدایا هستند. موضوع نقاشی‌های فراسیاب، مانند موضوع نقاشی‌های و رخشا، بالالیک تپه، پنجکنت و سایر نقاط، موضوع‌های غیر مذهبی است. (همان منبع) بیشتر آثار کشف شده از محوطه‌ی باستانی فراسیاب شهر سمرقند مربوط به دوران تاریخی بلخی - یونانی منطقه نیز می‌باشد. به‌ویژه آثاری که از فراسیاب II و III به‌دست آمده است. (بلیتیسکی، 1364: 106)



تصویر 21. قطعه‌ای از نقاشی دیواری به صورت رنگی شهر فراسیاب سمرقند. (ولایتی، 1390: 81)

## 6-7. بررسی یافته‌های باستان‌شناسی و هنر کوشانیان در تاجیکستان

1. آثار هنری کوشانی در دره‌ی و خش تاجیکستان: در این منطقه از سال 1959 آژینا تپه حفاری شد همچنین حفاری در تپه‌ی شیطانی واقع در دوازده کیلومتری کورگان تیوب توسط لیتوینسکی و همکار او خانم ت. ی. زیمال انجام شد. تاریخ دقیقی برای آثار، پیشنهاد نشده؛ و لی این کشفیات اطلاعاتی را درباره‌ی نفوذ آیین بودایی ارائه می‌کند. در میان آثار به دست آمده از ویرانه‌های یک معبد بودایی که دارای دیوار حصار مانند بود، و در اواسط قرن هشتم م. متروک شده بود، قطعاتی از نقاشی‌های دیواری شامل سی تصویر از سر بودا و پیروان به نیروانا رسیدی او و همچنین آنان نگاره‌های دیگر وجود داشت. تندیس‌هایی که از گل ساخته شده و بعداً رنگ‌آمیزی شده بودند، در اندازه‌های مختلف نیز در میان آثار به دست آمد. (فرامکین، 1372: 108) اندازه‌ی سر این تندیس‌ها از سرهای بسیار کوچک تا سرهای به اندازه‌ی سر انسان معمولی متفاوت هستند. این سرها مشابه سرهایی‌اند که از محل‌های باستانی واقع در افغانستان مانند کندوز و فندوقستان به دست آمده‌اند. در آژینا تپه بین سال‌های 1965-66 تندیس بودا در حالت دراز کشیده به پهلو و در حالت تمدد اعصاب و فرو رفتن در خلسه نیروانایی کشف شد. طول این تندیس حدود دوازده متر و درازی انگشت پای او نزدیک هفتاد سانتی‌متر است. مجسمه‌ی بودایی آژینا تپه از مصالحی با مقاومت کم، مانند گل و گچ و کاه ساخته شده است. در ناحیه پارکار و از محلی به نام ساکسانوکور که در هفتاد کیلومتری مشرق و خش سفلی واقع شده است، بقایای معماری دوره‌ی هلنی یافت شده است. در طی سال‌های 1968 م. بررسی‌هایی به وسیله‌ی گروه لیتوینسکی در اطراف کلخوزآباد انجام گرفت. آژینا تپه در همین منطقه واقع شده است. (همان منبع) همچنین در محلی بنام یاوان (Yavan) در منطقه‌ی و خش تاجیکستان حفاری‌های باستان‌شناسی صورت گرفته، که در میان آثار به دست آمده مجموعه‌ای از مهر، ظروف گلی که در کنار یا روی دسته آنها سر انسان و حیوان گلی افزوده شده و همچنین یک سینی سنگی از جنس سنگ صابونی دیده می‌شود. بررسی‌های باستان‌شناسی در سال‌های اخیر و داده‌های باستان‌شناسی این معرف آثار دوره کوشانی هستند. (Litvinskiy 1967: 11) این سینی گرد از جنس سنگ صابونی تقریباً شبیه سینی بزکی دیگری است که از تاکسیلا (Taxila) به دست آمده است. (Marshall, J, 1964: 13)



## 2. آثار هنری کوشانیان در دره‌ی کافر نیگان: محوطه باستانی کیقبادشاه که در سال 1949

م. به وسیله دیاکونوف در پانزده کیلومتری قبادیان در ساحل راست دره‌ی کافیر نیگان کاوش گردید: امکان انجام حفاری را در شرایط بهتر در یک سطح گسترده فراهم ساخت. در این محل آثار شهری بدست آمد با سطحی برابر  $285 \times 385$  متر، محصور در یک حصار دفاعی ساخته شده از آجرهای مزبور از ارزش خاصی برخوردارند؛ زیرا که بر روی آن‌ها نشانه‌های مختلفی و از جمله تعداد زیادی از حرف‌های الفبای یونانی نقش بسته است. حصار شهر با فاصله‌های منظم بوسیله برج‌های مستطیل شکل تقویت شده است. دیوارها خط مستقیم کاملی را تعقیب می‌کنند و در میان هر دیوار دری قرار دارد. کوچه‌های اصلی از مقابل یک در به طرف در دیگر امتداد دارند و در مرکز، همدیگر را قطع می‌کنند. به این ترتیب، شهر به محله‌های کاملاً مشخص با نمای منظم تقسیم می‌شده است. (بلیتیسکی، 1364: 105) در نتیجه‌ی بررسی‌های باستان‌شناسی که از حدود سال 1946 م. در ناحیه‌ی قبادیان انجام شده، آثاری متعلق به دوره‌های مختلف قبل از کوشانیان، زمان کوشانیان و دوره‌ی بعد از کوشانیان به دست آمده است. قبادیان که به میکویان آباد تغییر نام یافته، یکی از غنی‌ترین محل‌ها، برای مطالعات باستان‌شناسی است. تخت قباد یا (تخت کوات) محلی است که به اعتقاد دانشمندان شوروی مهد گنجینه‌ی مشهور جیحون بوده است. بررسی‌های باستان‌شناسی دره‌ی کافر نیگان در دو محل متمرکز شده بود. قلعه‌ی میر و به‌ویژه کیقباد شاه. در این دو محل، تمام دوره‌های فرهنگی همراه آثار باستانی مشخص شده‌اند. خلاصه‌ی گاهنگاری در کافر نیگان براساس مطالعات دیکونف و مندلشتام و غیره: قبادیان I (از قرن ششم تا چهارم پیش از میلاد. قلعه میر) قبادیان II (از قرن سوم تا اول ق.م. به‌خصوص شهر کیقباد؛ این دوره همزمان با تشکیل و سقوط سلسله‌ی یونانی بلخ است) قبادیان III (از قرن اول ق.م. تا قرن اول م سفال‌های قرمز و خاکستری و تعداد بی‌شماری پیکرک انسان و حیوان) قبادیان IV (از قرن دوم م. دوره کانیشکا، تعداد سفال‌های قرمز و خاکستری و پیکرک کاهش یافته است. قبادیان V (از قرن سوم و چهارم م. دوره جدید کوشانیان؛ و فور سفال و سکه) (فرامکین، 1372: 114) دوره‌ی قبادیان I در قلعه‌ی میر به وسیله‌ی بقایای یک بنای مسکونی قدیمی باختری متعلق به قرن هفتم یا ششم پیش از میلاد مشخص شده است. این بنا از لایه‌ای واقع در زیر لایه‌ی آثار متعلق به دوره‌ی قبادیان II کشف شده است. از این محل، سفال‌هایی شبیه سفال‌های همین دوره از گیائورقلعه

در ترکمنستان و افراسیاب (سمرقند) و بلخ (افغانستان) مشخص شده‌اند، به‌دست آمده است. آثار بسیار متنوعی در کیباد شاه، که یک شهر مشخص باختری و دارای حصار در دره‌ی کافر نیگان است، پیدا شده است. این شهر در قرن سوم یا دوم ق.م. بنا شده و در تمام دوره‌ی کوشانیان تا قرن چهارم و پنجم م. مسکونی بوده تا سرانجام متروک شده است. در میان بقایای معماری به‌دست آمده از منطقه‌ی قبادیان در محل مونچاک‌تپه پایه‌های بزرگ ستون‌های سنگی با سرستون‌های نوع کورنتی دیده می‌شوند که یادآور نفوذ فرهنگ هلنی‌اند. در منطقه‌ی قبادیان تعداد زیادی گور، بررسی شده‌اند که متعلق به یک دوره‌ی هزاروپانصد ساله هستند. بیشتر گورها متعلق به دوره، قبل از کوشانیان بودند. (همان منبع)

#### 8-6. بررسی یافته‌های باستان‌شناسی و هنر کوشانیان در ترکمنستان

در زمان حکومت ساسانیان استفاده از بناهای عظیم و بزرگ در مرو ادامه داشته است. در این زمان همراه با گسترش شهر مواجهه با آیین‌های مختلفی چون زردشتی‌گری، بودایی‌گری و مسیحیت مواجه می‌شویم که تسامح ساسانیان را درباری ادیان نشان می‌دهند. از جمله در گیائورقلعه معبد بزرگ بودایی دیده شده است. بنابراین آنچه رابطه‌ی مرو زمان ساسانیان را با دنیای شرقی و شبه قاره‌ی هند مرتبط می‌سازد، پیدا شدن بقایای یک معبد بودایی داخل گیائورقلعه و یک استوپا در خارج از دیوار شهر است. معبد بودایی سده‌ی دوم میلادی استوپای قرمز رنگی بوده که یک تندیس عظیم الجثه بودا را در مقابل خود داشته که بعدها و در سده‌های پنجم و ششم میلادی سر آن به اندازه‌ی هفتاد و پنج سانتیمتر از پیکره‌ی اصلی جدا شده و سپس در گوشه‌ای کار گذاشته و با دقت بسیار توسط دیواری پوشیده شده است. (سید سجادی: 147)



تصویر 23. سفال مرو، صحنه شکار (فرامکین، 1372: 236)



تصویر 22. سفال مرو، ضیافت (فرامکین، 1372: 235)

بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی ... \_\_\_\_\_ رحیم ولایتی

هیئت باستان‌شناسی به سرپرستی پرفسور م. ماسون در سال 1962 میلادی در گیائورقلعه، باعث کشف یک یافته‌ی غیرقابل پیش‌بینی شد. این معبد عبارت بود از یک استوپای بزرگ قرمز رنگ و یک تندیس عظیم‌الجثه‌ی بودا که سر این تندیس به نسبت، خوب و سالم باقی مانده بود و از گل مخلوط با گاه ساخته شده بود. اندازه‌ی این سر که هفتاد و پنج سانتی‌متر بود. در قرن پنجم یا ششم میلادی جدا شده و افتاده بود و سپس، بادقت به‌وسیله دیواری پوشانده شده بود. تاریخ سکه‌های کوشانی که از این محل به دست آمده‌اند، قرن دوم میلادی است. حفاران این محل، موفق به یافتن یک ظرف سفالی (به ارتفاع چهل و شش سانتی‌متر) شدند که بسیار جالب توجه بود. این ظرف با نقش‌های رنگارنگ جالبی تزیین شده بود که با آیین بودایی هیچ‌گونه ارتباطی نداشت. چندین متن بودایی که تقریباً موریانه آن را از بین برده بود، در داخل این ظرف قرار داشت. هرچند نقش‌های تزیینی روی این ظرف در وضعیت بدی قرار دارند، ولی با این قابل تشخیص‌اند، شکل سی‌وشش زوجی است که به ضیافت نشسته‌اند و شکل سی‌و هفت صحنه‌ی شکار همان شخصی است که در صحنه‌ی ضیافت دیده می‌شود. (فرامکین، 1372: 235)

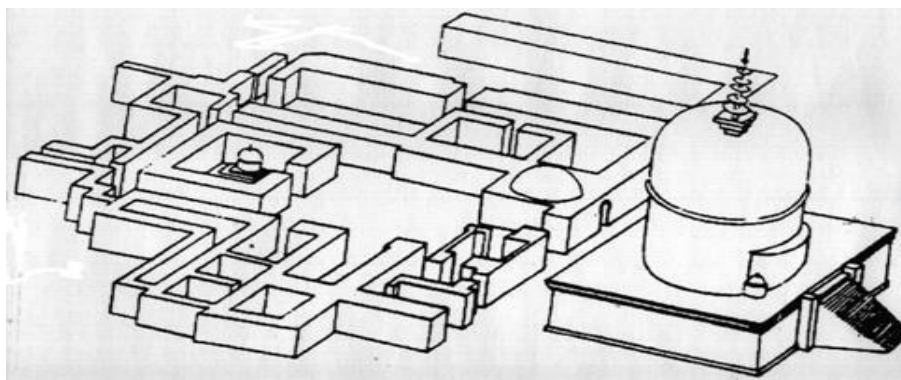


تصویر 24. تصویر سفال مرو- صحنه‌ی سوگواری کشف شده گیائورقلعه‌ی مرو به‌دست آمده است.

(فرامکین، 1372: 237)

صحنه‌ی مرگ و عزاداری همین شخص در بین دو صحنه‌ی ضیافت و شکار ترسیم شده است. طرح‌هایی که از روی نقش‌های این ظرف منحصر به فرد تهیه شده‌اند، نقاشی‌های

دیواری مختلفی را که از بالالیک تپه (اوزبکستان) و پنجکنت به دست آمده و همچنین نقش‌های عجیب روی استودان که از توک قلعه به دست آمده‌اند را تداعی می‌کنند. این شباهت‌ها فقط به موضوع نقاشی‌ها محدود نبوده، به جزئیات چهره‌نگاری نیز قابل تعمیم‌اند. کشفیات پیشگفته، دلایلی جدید را در تایید نفوذ آیین بودایی در یک منطقه بیشتر زردشتی مذهب، ارائه می‌دهند و این باور را که آیین بودا نتوانسته بود تا این حد در عمق کشور نفوذ کند، زیر سوال می‌برد. براساس اطلاعات به دست آمده، در نتیجه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی که تاکنون انجام شده است، به نظر می‌رسد در مرغیانه به اندازه نسا و یا قسمت‌های غربی امپراتوری پارت یادمان ساخته نشده بود و به همین منوال مرغیانه فاقد اشیای قابل توجهی است که ارزش‌های عالی - هنری داشته باشند. در مرغیانه علاوه بر مقدار زیادی ظرف‌های سفالی، انبوهی از پیکرک‌های سفالی که الهه‌ها و انسانها و حیوانات را نشان می‌دهند، به دست آمده‌اند. نظیر این این پیکرک‌ها از نسا به دست نیامده‌اند. (همان، منبع)



تصویر 25. طرح معماری معبد و استوای بودایی گیاتور قلعه شهر مرو ترکمنستان (سید سجادی، 1383: 470)

## 9. نتیجه‌گیری

منطقه‌ی آسیای مرکزی از دوره‌ی هخامنشیان و شاید جلوتر از آن تحت نفوذ فرهنگ و تمدن و آیین مذهبی ایران زمین بوده است. این نفوذ فرهنگی با وجود همه تغییرات جغرافیای سیاسی در ادوار مختلف زمانی به خوبی قابل مشاهده است. چنانچه وقتی کوشانیان با یک فرهنگ

بررسی هنر بودایی براساس مطالعه‌ی پیشینه‌ی ... \_\_\_\_\_ رحیم ولایتی

شرقی بودای هند وارد منطقه آسیای مرکزی شدند، تحت تاثیر نفوذ فرهنگ و هنر ایران در این منطقه قرار گرفتند. این تأثیرات فرهنگ و هنر ایران در ابعاد مختلف مانند هنر معماری و مجسمه سازی و هنر نقاشی و هنر زیورآلات و غیره قابل مطالعه است. با وجودی اینکه کوشانیان قوم مهاجری بودند که از نظر تفکرات فلسفی و اندیشه‌ی مذهبی کاملاً با فرهنگ مردم ایران متفاوت بودند، ولی بدلیل قرارگرفتن در حوزه‌ی منطقه‌ی تحت تاثیر نفوذ فرهنگی ایران قرار گرفتند.

#### 10. منابع و کتاب شناسی فارسی

- برازش، محمود رضا، آشنای با کشورهای جهان (هند) نشر آفتاب هشتم، 1386 مشهد.
- بیات، کاوه، مجموعه مقالات آسیای میانه، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی 1376 تهران.
- بلتیسکی، آ.، خراسان و ماوراء النهر (آسیای میانه) ترجمه پرویز و رجاوند، نشر گفتار 1364 تهران.
- پوگاخپکوا، گالینا - خاکیموف، اکبر، هنر در آسیای مرکزی، ترجمه ناهید کریم زندی، نشر و زارت ارشاد، 1372 تهران.
- تالبوت رایس، تامارا، هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره‌ی اسلامی، ترجمه‌ی رقیه بهزادی، نشر تهران 1372 تهران.
- تقوی، اکبر، جمهوری‌های آسیای میانه، نشر سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی 1373 تهران.
- تکمیل همایون، ناصر، خوارزم، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی 1383 تهران.
- توین بی، آرنولد، جغرافیای اداری هخامنشیان، ترجمه‌ی صنعتی‌زاده، نشر موقوفات افشار، 1379 تهران.
- جزوه‌ی درسی مولف برای درس باستان‌شناسی خاور دور، 1389، در دانشگاه تهران.
- سیدسجادی، سید منصور، مرو، نشر پژوهشگاه میراث فرهنگی، 1383 تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین، کتاب تاریخ مردم ایران، نشر امیرکبیر، 1364 تهران.
- غفورویچ غفوروف، باباجان، تاجیکان، تاریخ قدیم، قرون وسطی، و دوره‌ی نوین، نشر وزارت ارشاد، 1377 تهران.
- غفورویچ غفوروف، باباجان، آسیای میانه از کهن‌ترین روزگاران تا زرتشت، ترجمه مرادی، نشر نوید 1385 شیراز.

جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره 6، شماره 3، پاییز و زمستان 1393

- فرامکین، گرکوار، باستان‌شناسی در آسیای مرکزی، ترجمه‌ی ملک شه‌میرزادی، نشر وزارت امور خارجه، 1372 تهران.
- فرای، ریچارد، میراث آسیای مرکزی، ترجمه‌ی اوانس اوانسیان، نشر بنیاد موقوفات افشار، 1386 تهران.
- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران: انتشارات امیر کبیر، 1367.
- \_\_\_\_\_ نشر موسسه انتشارات نگاه 1387 تهران.
- گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی، نشر نگاه و آگاه، 1374 تهران.
- گیرشمن، رمان، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1355، تهران.
- لباف خانیکی، رجبعلی، سفال، نمادی از فرهنگ مشترک ایران و آسیای میانه، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ.
- سال 22 شماره 44 بهار و تابستان 1387 ص 29 تا ص 41.
- مجیدزاده، یوسف، دوران مفرغ در ماوراءالنهر باستان، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ 1368 ص 2-14.
- مصاحب، غلامحسین، دایره‌المعارف فارسی، نشر فرانکلین، 1345 تهران.
- 23- ناجی، محمد رضا، سامانیان، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی 1384 تهران
- ولایتی، رحیم، مطالعه‌ی پیشینه‌ی باستان‌شناسی کشورهای آسیای میانه، نشر پازینه، 1390 تهران.
- یونسکو، تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، ترجمه‌ی ملک شه‌میرزادی، نشر دفتر مطالعات و زارت خارجه، 1375، تهران.

#### 11. منابع و کتاب‌شناسی لاتین

- Litvinskiy, B, A 1967, An outstanding article on the archaeological finds in Tadzhikistan and their relations with other regions and countries, Aryans, ancient Bactria, Gandhara, Swat, tombs in the Pamirs and the valleys of Vakhsh and Kafirnigan, Soviet Union
- Jacobs Bruno, 1994 Die Satrapien Verwaltung im persisch Zur Zeit Darius III, Wiesbaden

- Koch. Heidemarie.1993, Es kündigt Darius der König ... Vom Leben im persischen Großreich für Kulturgeschichte der Antiken Welt Band55Mainz
- Koch Heidemarie,2001, *Persepolis*. Glänzende Hautstdt des perserreichsSonder Bände der Antiken Welt Zaberns Bildbände zur Archäologie Mainz.
- Roaf. Michael, 1974, The Subject Peoples on the Base of the Statue of Darius, *DELEGATION ARCHEOLOGIQUE FRANCAISEEN IRAN* 4,(DAFI)P.73-148
- Marshall,J1964,the Buddhis Art of Ghamdhara P13&Taxila vol II.P496No 74 vol III
- 7-Schmid. Erich.F.1970, *PersepolisIII*, Contents of the Trasury and Other Discoveries, The Univerity of Chicago Press Chicago. Illinois
- 8-Toynbee,Arnold1954,A Study of History,Vol7 ,Oxford University Press,London,NewYork
- 9-Walser. Gerold, 1966, *Die Völkerschaften auf den Reliefs von Persepolis*, Berlin.
- Study Buddhist art of the archaeological history of the Central Asian countries